

تغییر گفتمان آموزشی در عصر پسا کرونا

جعبه سفید و آموزش دیجیتال

فریبرز بیات

در این میان، نظریه پردازان جدید یادگیری، با استقبال از حضور فعال فناوری در کلاس درس، با استفاده از مؤلفه‌های اصلی «سازه‌گرایی»، در پی گسترش آموزش با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی هستند و به آن ابزارهای دیجیتالی و «جعبه سفید» نام داده‌اند که بر خلاف «جعبه سیاه»، تمامی تبدلات دانش در فضایی شفاف صورت می‌پذیرد.

بر این اساس می‌توان گفت در فضای دیجیتال، آموزش مدرسه‌ای که در الگوی کلاسیک بر سه‌گانه معلم، دانش‌آموز و محتوا استوار بوده است، در هم می‌شکند و همه عناصر معطوف به یادگیری، از جمله تولید و مصرف محتوا، در فضایی از تعامل و تبادل و به اشتراک گذاری دانش و تجربه شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. در این چارچوب، «آموزش دیجیتال»^۲ که ترکیبی از «آموزش برخط»^۳، «یادگیری الکترونیکی»^۴ و «یادگیری ترکیبی» محسوب می‌شود، به‌عنوان یک راه‌حل، علاوه بر تحول در روش آموزش، نیازمند نوآوری در ساختار و محتوای ارائه دانش و به‌طور مشخص، تولید منابع آموزشی مورد نیاز در فضای جدید است. امروز دانش‌آموز در فضای پساکرونا و با منع و محدودیت‌های حضور فیزیکی در مدرسه، این نیاز ضرورتی صد چندان یافته است. نظام‌های آموزشی که خود را

«خلاقیت و نوآوری» ایده مرکزی آموزش و یادگیری در مدرسه امروز و آینده است. از میانه قرن بیستم «حل مسئله» به‌عنوان یک الگو و روش در آموزش مورد تأکید قرار گرفت. از چنین منظری، حل مسئله سطح عالی یادگیری است و با خلاقیت پیوند تنگاتنگ دارد. اکنون و در جامعه دانش‌بنیان و فضای دیجیتال، خلاقیت با «تفکر رایانشی»^۱ معنا پیدا کرده است که رویکردی نو برای حل مسائل پیچیده جهان امروز به روش الگوریتمی به حساب می‌آید. تفکر رایانشی و نوآوری از پیش‌نیازهای زندگی جدید و بازار کسب و کار محسوب می‌شود. همچنین «نظریه سازندگی»^۲ که هسته اصلی آموزش و یادگیری فعال و پویا در تعلیم و تربیت جهانی است، علاوه بر زاینده‌گی ذهن، بر نقش تجربه در پرورش تفکر خلاق و نوآور به‌عنوان موضوعی کلیدی تأکید می‌کند. از این منظر، کودکان و نوجوانان برای رشد ذهنی باید به تجربه کردن روی بیاورند و مدارس امروز باید میدان مناسبی را برای مهارت‌اندوزی، تجربه و تبادل تجربه‌های دانش‌آموزان فراهم کنند.

با این رویکرد، معلمان به جای ارائه سخنرانی یا آموزش گام‌به‌گام، باید نقش تسهیل‌کننده یادگیری را برعهده گیرند و یادگیرنده، نقش اساسی را در تولید و ساختن دانش برعهده می‌گیرد.



و کلاس رها می‌سازد، آموزش، صورتی نرم، منعطف و منطبق با نیازهای دانش‌آموزان به خود می‌گیرد. رویکرد جدید به جدایی خانه و مدرسه پایان می‌دهد. مدرسه‌ای در دل خانه بنا می‌نهد و به آموزش جدا از زندگی و مسائل و مشکلات آن خاتمه می‌دهد. مسئله‌محوری، مهارت‌اندوزی و کسب تجربه برای حل مسائل زندگی، مضمون و محتوای اصلی درس و مدرسه نوین را تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد تا چنین نگرش و درک و دریافتی از آموزش و مدرسه، و نقش و کارکردهای آن بین مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی شکل نگیرد، به سختی بتوان به فشاری که مقتضیات کرونایی برای توسعه آموزش‌های از راه دور و دیجیتال در جامعه ما آورده است، امید زیادی بست.

برای مواجهه با چنین وضعیتی و عصر دیجیتال آماده نکرده و تجهیز و تدارک لازم را انجام نداده‌اند، اکنون با شتاب‌زدگی به تکاپو افتاده‌اند تا از قافله رویکرد نوین آموزش و پژوهش عقب نمانند.

غفلت از مبانی نظری و تغییر گفتمان آموزشی در دنیای جدید، در کنار شتاب‌زدگی و بی‌تجربگی معلمان و مربیان، و مهم‌تر از همه، فقدان منابع آموزشی تعاملی و منطبق با نیازها و وضعیت جدید، موجب شده است که جریان آموزش در چنین جوامعی با نوعی اختلال و ناکارآمدی مضاعف دست و پنجه نرم کند. برای عبور از چنین وضعیت نابسامان و آشفته‌ای، گام نخست درک تغییرات پارادایمی آموزش در عصر جدید است. گفتمان نوین آموزشی با رویکرد تعاملی و مشارکت‌جویانه خود تمرکز آموزشی را به چالش می‌کشد و جریان یک‌سویه و از بالای آموزش را برنمی‌تابد.

گفتمان نوین رویکردی دموکراتیک را در آموزش رقم می‌زند که با «تک‌منبعی» مغایر است و معلم را نه به‌عنوان دانای کل، بلکه به منزله تسهیل‌گر یادگیری شناسایی می‌کند. نقش معلم کمک به زایش دانش توسط دانش‌آموز است و نقش اساسی را در تولید دانش یادگیرنده بر عهده دارد. رویکرد جدید آموزش، زمان و مکان را در می‌نوردد و آموزش را از فضای محدود، سفت و سخت مدرسه

پی‌نوشت‌ها

1. Computational thinking
2. Constructivism
3. Digital instruction
4. Online
5. E-learning
6. Blended